

...، همین دیروز بود

برگزیده خاطرات
دومین جشنواره خاطره‌نویسی دفاع مقدس

به اهتمام: سید علی نقی کرامت

فرهنگ مانا

۱۳۹۳

سرشناسه: کرامت، سید علی نقی، ۱۳۵۵

عنوان و نام پدیدآور: ... همین دیروز بود/ سید علی نقی کرامت

مشخصات نشر: انتشارات فرهنگ مانا، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۱-۰۰-۲ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

شناسه افزوده: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد

موضوع: جنگ- دفاع مقدس- خاطره

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



همین دیروز بود

(برگزیده خاطرات دومین جشنواره خاطره نویسی دفاع مقدس)

به اهتمام: سید علی نقی کرامت

صفحه آرایی: مینا صفری

حروف چینی: سید ابودر رزمنده پور

طراح جلد:

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

لیتوگرافی: ماوراء

چاپ: زیتون سبز

تا

۱۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۱-۰۰-۲

این اثر با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد به چاپ رسیده است.

آدرس: یاسوج، سی سخت، خیابان اصلی، کوچه مدرسه

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، بین ویلا و حافظ، خیابان بوموسی، کوچه بامشاد، پلاک ۲، واحد ۱

کدپستی: ۱۵۹۹۶۱۷۷۱۱ تلفن: ۲۱-۸۸۹۴۸۸۲۰ دورتگار: ۸۸۹۳۲۶۵۲

فهرست

۹		مقدمه
۱۳		انتظار
۱۶		اولین شهید ده
۱۸		بوی بهشت
۲۲		آتش عطش
۲۴		به به به عاشقان
۲۶		پرچم
۲۹		حالا کیسول هم خاطره شده است
۳۱		حجله گاه خونین
۳۹		حنابندان
۴۲		سکوت دشت مهران
۴۶		شجاعت در اسارت
۴۹		شفاعت مادر
۵۱		عراقی های واقعی
۵۴		کاش کبوتری داشتم
۵۷		گزارش از اردوگاه
۶۱		مانده
۶۳		معجزه‌ی حضرت عباس (ع)
۶۶		نبرد در طلائیه
۶۹		هدهد بادصبا

به نام خداوند آینه‌ها

انگار همین دیروز بود که باران حادثه، بکریز باریدن گرفت و تن تنومند این سامان را به میهمانی گل‌ها و گلوله‌ها برد. انگار همین دیروز بود که آسمان لاجورد، به کبوتران سپید سبکبال رسید. انگار همین دیروز بود که زمین سراسر سبز، بوسه‌گاه شقایق‌های پرپر شد.

آری! همین دیروز بود که بغض قلم شکفت و قلب کلمات را شکافت. واژه‌های ارغوان‌پوش، در آغوش سطرها و صفحه‌ها آرمیدند و جاودانه‌ای از حماسه را آفریدند. شکوه شکفتن در رگ برگ‌ها دوید و ذهن کوچه‌باغ، سرشار عطر سرخ سیب گشت. در ناگهانی از باران و آینه، گل طلوع کرد و بهار به بار نشست...

همین دیروز بود که پای قطع‌نامه به میان آمد و جنگ را با همه‌ی گنجینه‌هایش به فراموشی سنجاق زدیم. پروازهایی از قفس پریدند و ما بی‌هم‌نفس، جا ماندیم در قفس یادها و فریادها. ما میراث‌دار خاطره‌های رنگ و رو رفته‌ایم. مگر می‌توان بهار را در قاب گلدان خلاصه کرد؟ مگر

می‌شود بی‌حضور باران، وسعت باغ را به آئینه هدیه داد؟ مگر بال را می‌توان فارغ از آسمان و پرنده تصور نمود؟ نه... نه دریا در قطره‌ای تفسیر می‌یابد و نه عشق به واژه‌ای تعبیر.

قلم را به یاری طلیدیم و کوچه‌های خاطره را قدم زدیم. زلال اشک را روی گونه‌ها دیدیم و حضور روشن عشق را فهمیدیم. پنجره‌ها را به تماشا گشودیم و به شوق پرواز، از بال و پر سرودیم. ناگفته‌های دلیرمردان و شیرزنان صبور این دیار حماسه‌ساز را از اعماق سینه‌ها برگرفتیم و به دل سپید کاغذ سپردیم.

همین دیروز بود؛ روایتی‌ست دگرگونه از مانایی حماسه‌ی سال‌های آتش و عطش، خاطراتی از رویارویی مردها و دردها در کشاکش هنگامه‌ی نبرد، یادگاری از روزگار ایثار و افتخار و سرانجام دل‌نوشته‌هایی که مرورشان، تلنگری‌ست بر عاشقان جان و جان‌های عاشقی که دل در گرو استواری ایران آباد سپریند دارند. کتابی که به گواه حرف کلماتش، شوری شیرین به حافظه‌ی سطرها و صفحه‌ها می‌بخشد و کبوتر ذوق را در هوای اندیشه به پرواز درمی‌آورد.

انگار کن که واژه واژه‌ی این حس دلنشین، از صمیمیت حضور تو سرشار می‌شود. آن‌جا که چشم‌های مهربان یک مادر، در قاب انتظار به سپیدی می‌گراید و روایت ناتمام کوچه‌ها و ردپا را تا همیشه‌های هنوز در ذهن خویش مرور می‌کند. آن‌جا که قفس، پاسبان نفس‌های در گلو مانده‌ست.

آن‌جا که خون بر خوان سبز وطن، سایه‌پوش شد. آن‌جا که «او» جاودانه رفت تا «من» و «تو» بی‌هیچ چشم‌داشتی، هزارباره «ما» بمانیم و... در جای‌جای این همه حرف‌های برآمده از دل، عشق را می‌توان جستجو کرد؛ عشق به زیستن، عشق به بودن، عشق به رهایی.

«...همین دیروز بود» گلچینی‌ست از خاطرات برگزیده‌ی دومین جشنواره‌ی

خاطره نویسی که به همت عالی و کوشش متعالی هنرمند فرهیخته و فرهمند جناب «سید علی نقی کرامت» تدوین شده و با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد فراهم آمده است.

مجموعه‌ای از سطرها و صفحه‌هایی سرشار شور و عبرت، که برآیند حضور و ظهور قلم در کوچه‌باغ‌های خاطره می‌باشد. نگاهی ارجمند که بازتاب اندیشه‌های صمیمی و دوست داشتنی مردمانی است که روزگاری نه چندان دیر و دور، به عشق آزادی و آزادگی، پای در راه طلب نهادند و دست در دست هم، مین خویشتن را شکوهی دوباره بخشیدند.

مطالبی گویا و کوتاه و خواندنی که به سهم و زعم خود، دریچه‌ای نو را فرا روی ذهن می‌گشاید تا بیش از پیش، با روزهای خون و آتش و حماسه، آشنا و آشناتر شویم. این مجموعه، در حد وسع خویش کوشیده است تا مهربانی و نامهربانی‌های دوران جنگ را بیان کند و تلخ و شیرینی‌های آن روزگاران را نمایان سازد، کوششی پویا و پایا که امید است استمرار یابد و به سرانجام نیکو بینجامد. آمین.

محمد مرادی ناصرآباد

یاسوج - تیرماه ۱۳۹۳